

نقش علوم عربی در حفظ دانش باستان و شکل گیری رنسانس

حورا یاوری

- The House of Wisdom
How Arabic Science Saved
Ancient Knowledge and Gave Us the Renaissance
- Jim al-Khalili
- 302 pages
- Penguin Press, 2011

- بیت‌الحکمة:
نقش علوم عربی در حفظ
دانش باستان و شکل گیری رنسانس
- جیم الخلیلی
- ۳۰۲ ص
- انتشارات پنگوئن ۲۰۱۱

در ازدحام صداهای ناخوشی که در دهه‌های اخیر فضای جهان را انباشته گاه صدای آرام محققان و پژوهندگانی به گوش می‌رسد که قصه جهان و سرگذشت جهانیان را به زبانی پذیرفتنی‌تر روایت می‌کنند در نگاه متأمل و نوشته‌های شسته از غبار تعصب این پژوهندگان سرزمین‌های جدا از هم جهان به هم پیوند می‌خورند، و هر یک در شکفتگی و اوج، یا تباهی و نژندی آن دیگری سهمی به عهده می‌گیرد.

کتاب تازه جیم الخلیلی، استاد فیزیک نظری در انگلستان درباره مرخصی طولانی اروپا در قرون وسطی از دنیای دانش، گسترش اسلام و آمیختگی آن با فرهنگ‌های کهن مشرق زمین، شکوفایی تمدن اسلامی، باز بودن درهای بحث و گفتگو به روی تفسیرهای مذهبی، تأسیس بیت‌الحکمة در بغداد، باگیری و گسترش نهضت ترجمه آثار کلاسیک علمی در دوران عباسیان و اهمیت آن نه تنها در حفظ آثار دانشمندان یونانی بلکه در تکامل و گسترش دستاوردهای آنان، و از همه مهمتر نقش دانشمندان مسلمان در بیداری دنیای غرب از خواب دیرپای قرون وسطی در شمار این نوشته‌هاست. خلیلی که از پدری عراقی-ایرانی‌تبار و مادری انگلیسی در بغداد متولد شده در انگلستان زندگی و تدریس می‌کند این قصه مکرر را به صورت تازه ای روایت می‌کند.

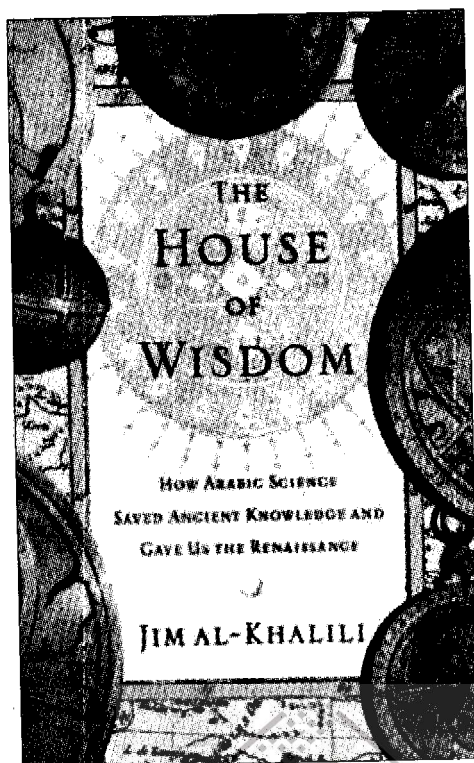
۵۶۴

بحارا
سال پانزدهم
شماره ۸۹ - ۹۰
مهر - دی
۱۳۹۱



• دکتر حورا یآوری (عکس از: علی دهباشی)

به سخن دیگر، اهمیت روی کارآمدن عباسیان، انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد، آشنایی روزافزون مردمان سرزمین‌های تازه مسلمان با زبان عربی، روی آوردن ریاضی‌دانان، منجمان، پزشکان، فیلسوفان و دیگر طالبان علم از هر سرزمین و هر قبیله و هر آیین به بیت‌الحکمة که در پناه قدرت خلفای عباسی، به ویژه مأمون، از گزند باد و باران در امان می‌نمود، نقش آنان در ترجمه آثار بطلمیوس و ارسطو و آثار بیشمار دیگری که اصولاً با مذهب سروکاری نداشتند و بعد انتقال این آثار از طریق کتابخانه‌های اسپانیا و سرزمین‌های دیگر به اروپای دوران رنسانس سخن تازه ای نیست، اما این که دانشمندان سرزمین‌های تازه مسلمان، و در میان آن‌ها ایرانیان که با سنت ترجمه در دوران ساسانیان آشنا بودند، بر آن چه با شور و شوق تمام از زبان‌های دیگر به عربی برمی‌گرداندند، چه افزودند، چه تکمله‌ها و ردیه‌هایی بر آن‌ها نوشتند، دقت و وسواس مثال زدنی آنها در یافتن معادل‌های رسا برای مفاهیم علمی و فلسفی و به تبع آن غنی شدن و گسترش زبان عربی، و از همه مهمتر تجربیات مستقل علمی آنان، و به خصوص تأکید آن‌ها بر روش‌های تجربی در طب و نجوم که در یونان باستان رونقی نداشت، چه تحولات شگرفی در جهان آن روز، به ویژه امپراتوری بیزانس و اروپای دوران رنسانس در پی داشت، سخنی است که رساندن آن را به گوش دنیای امروز پژوهندگان دهه‌های اخیر عهده دار شده‌اند. از راه همین بررسی‌هاست



۵۶۶

که به طور نمونه نظریات کوپرنیک در نجوم در یک پسزمینه تاریخی قرار می‌گیرد و به نقش رصدخانه‌هایی پیوند می‌خورد که قرن‌ها در سرزمین‌های مسلمان اجرام فلکی را نظاره می‌کردند و به تاریخ علم در جهان، به جای آن که آوردگاه تندروی‌های مغرضانه و جانبدارانه باشد و جولانگاهی برای فخرفروشی‌های سرزمینی و مذهبی، صورتی به هم پیوسته‌تر و جهانی‌تر می‌دهد.

الخلیلی در تعریف دستاوردهای درخشان علمی این دوران، و نقش ایرانیان و دانشمندان و مترجمین مسیحی و کلیمی و زرتشتی در این دوران درخشان گفتگوی ادیان و فرهنگ‌ها، به جای اصطلاح اسلامی، یا عرب، از مفهوم عربی استفاده می‌کند و به این ترتیب زبان عربی، و نه معیارهای مذهبی، قومی و سرزمینی، را در تعریف و طبقه‌بندی دستاوردهای درخشانی به کار می‌گیرد که در این سرزمین‌های پهناور از آخر قرن سوم هجری آغاز می‌شود و تا اواخر قرن ششم هجری ادامه می‌یابد، بغداد دوران مأمون را با آتن دوران پریکلِس و فلورانس دوران رنسانس همتراز می‌گیرد، و به ابن سینا به عنوان رفیع‌ترین قله‌ای اشاره می‌کند که سلسله تفکر فلسفی جهان را از ارسطو به دکارت امتداد می‌دهد.

از ویژگی‌های دیگر کتاب بررسی دلایل و عواملی است که در پی این دوران طلایی افول تدریجی علوم و فنون را در سرزمین‌های اسلامی به دنبال می‌آورد؛ دلایل و عواملی که امروز هم سرزمین‌های مسلمان با آن دست به گریبانند و حضور آنان را در حوزه علوم تجربی و تکنولوژی بسیار کم‌رنگ کرده است و توجه به آن‌ها می‌تواند در تحقیقات مربوط به بی‌رونقی علوم و فنون در بیشتر کشورهایی که امروزه به کشورهای مسلمان شناخته می‌شوند به کار بیاید.

روایت الخلیلی از سرگذشتی که بغداد از آغاز تا به امروز پشت سر نهاده یادآور قصیده خاقانی خطاب به دل‌های عبرت بین در سوگ مداین است. بغداد به گفته الخلیلی واژگون‌بخت‌ترین شهر تاریخ و جهان است و دجله‌هایش نه تنها از باران‌ها بلکه از دیده ساکنانش قرن‌ها پرآب بوده است. شهری که روزهای آبادانی و رونقش با دوران باز بودن دروازه‌هایش به روی اندیشه‌های تازه و عذرنهادهن جنگ هفتاد و دو ملت هم‌زمان بوده، اما نه دوره‌های مکرر آبادانش به درازا کشیده و نه دروازه‌هایش زمانی دراز به روی تازه واردان برگشوده مانده است.



خواننده گرامی

مخارج سنگین مجله فقط از محل تک‌فروشی و حق اشتراک تأمین می‌شود. بخارا انتظار دارد در صورتی که آن را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و زبان فارسی مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

همان‌طور که بارها نوشته‌ایم، در صورت ازدیاد تعداد مشترکان و پرداخت به‌موقع وجه اشتراک مجله دوام می‌یابد و به راه فرهنگی خود ادامه می‌دهد.

بخارا مرهون محبت‌های کسانی است که تاکنون به درخواست ما مشترکانی معرفی کرده‌اند.